

دوشنبه • ۲۲ دی ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۰۹ • ۹

شرق

هنر

باسعدی احساس معاصر بودن داریم؛ گفت وگو با بهاء الدین خرمشاهی صفحه ۱۰	گوسفندها و نجات غریق صفحه ۱۱
اشتیاق کشتن در بین داعشی‌ها غیر قابل تصور بود صفحه ۱۲	

فانوس خیال

فریبا جدیکار: نمی‌دانم چه کسی مسوول پاسخگویی به این شرایط نابسامان است

فریبا جدیکار، بازیگر کزیده‌کاری در سینما و تلویزیون است. او که سال گذشته برای بازی در سریال «یادداشت‌های یک زن خانه‌دار» دعوت به همکاری شد، در گفت‌وگو با «شرق» از به سرانجام‌نرسیدن این پروژه و اتفاقاتی که او را از کارکردن در این مدیوم دلزده کرده است، گفت:

۷ مدت هاست شما را کمتر در تلویزیون می‌بینم. این کم‌کاری علت خاصی دارد؟

اصولا خیلی اهل تکنیک‌کردن مدیوم‌های مختلف نیستم. سینما یا تلویزیون فرقی برابم ندارد، مهم متن خوب و نقش تاثیرگذار است و تا به امروز سعی کرده‌ام با انتخاب آثار خوب در تلویزیون حضور داشته باشم. اما مدتی قبل اتفاقی افتاد که برابم بسیار ناخوشایند بود. سال گذشته آذرم‌اه بود که از دفتر آقای اسماعیل عقیفه برای بازی در یک سریال با من تماس گرفتند. گفتند ۴۰ قسمت داستان نوشته شده و تنها پنج‌قسمت از آن بازنویسی شده است و همان پنج‌قسمت را به من دادند که مطالعه کنم. قرار بود سریال از دی‌ماه سال گذشته آغاز شود و حتی از پروژه دیگری با من تماس گرفتند و من به دلیل تعهدی که به کار آقای عقیفه داشتم آن کار را رد کردم. تصویربرداری سریال مدام به تعویق افتاد حتی وعده هفتم‌اسفند را برای رساندن به پخش نوروزی مطرح کردند که باز هم اتفاق نیفتاد. پایان اسفندماه سال گذشته بود که من برای سریال «یادداشت‌های یک زن خانه‌دار» قرارداد بستم و قرار بود این سریال در یک‌برسه هفت،هشت‌ماهه ساخته شود و به‌دلیل اینکه شرایط مالی پروژه مساعد نبود، قراردادم را هم پایین‌تر از حد معمولی که همیشه دریافت می‌کنم، بستم؛ آن‌هم به این دلیل که مسعود کرامتی کارگردانی این سریال را بر عهده داشت که احترام زیادی برای او قایل‌م.



۷ تصویربرداری سریال چه زمانی آغاز شد؟

۲۹فروردین امسال بود که کار کلید خورد و ما تا اواخر مرداد کار کردیم، بدون اِغراق روزی ۱۲ساعت کار می‌کردیم با حتی بیشتر از این ساعت. در طول این چهارماه کار، تنها دستمزد دوماه داده شد و یکی از بازیگران اعلام کرد که تا زمانی که دستمزدش را نگیرد کار نمی‌کند و تهیه‌کننده هم قول فراهم‌کردن پول را به ما داد. ما تا آخر شهریورماه منتظر بودیم که با ما تماس بگیرند تا کار مجدداً آغاز شود و به سر کارمان برگردیم. در طول این مدت کار پیشنهاد بازی در سه‌سریال، دوتله‌فیلم و سه‌فیلم سینمایی داشتم که طعنا به واسطه حضور در این پروژه همه را رد کردم. غیر از این مشکلات دیگری هم که سر این سریال داشتیم، این بود که متن هفته‌به‌هفته می‌رسید و متن آماده‌ای نبود که حتی کلبتی از نقش بدانیم و کسانی که مرا می‌شناسند می‌دانند من سر کار مناسبتی نمی‌روم به این دلیل که معمولا متن آماده‌ای ندارند و این اتفاق به‌شدت آزارم می‌دهد.

۷ در نهایت، حساب‌وکتاب‌های مالی پروژه به کجا ختم شد؟
آقای عقیفه پیگیر این اتفاق بود و ظاهرا به‌دلیل تغییر مدیران سیما، شرایط پیچیده‌تر از سابق شده بود. یک‌روز اعلام کردند چکی را از سازمان بابت تسویه‌حساب مالی پروژه دریافت کرده‌اند، اما پولی در حساب سازمان نیست! خب، این شرایط برای من که تغییری نکرده است داشتن فقره‌چه چک که پولی در حساب صاحب چک نیست، چه دردی از من دوا می‌کند؟ و تنها سوالی که در ذهن من است این است که حقیقتا در دستگاه عریض‌وطول صداوسیما چه کسی پاسخگوی من بازیگر است؟ ارتزاق من از راه بازیگری است و از این راه گذران می‌کنم و مگر من تسویه زندگی می‌کنم که تسویه هم پول دریافت کنم؟ حقیقتا نمی‌دانم چه کسی مسوول پاسخگویی به این شرایط نابسامان است و امیدوارم کسی پاسخ من را بردهد.

۷ شما در آثار خوبی مثل سریال «حیرانی» یا «زیرتیغ» بازی کردید که ارتباط بسیار خوبی با مخاطبان برقرار کرد، متن‌هایی که برای بازی در سریال به دستان می‌رسد، لزوماً کیفیت قابل قبولی دارند یا خیر؟

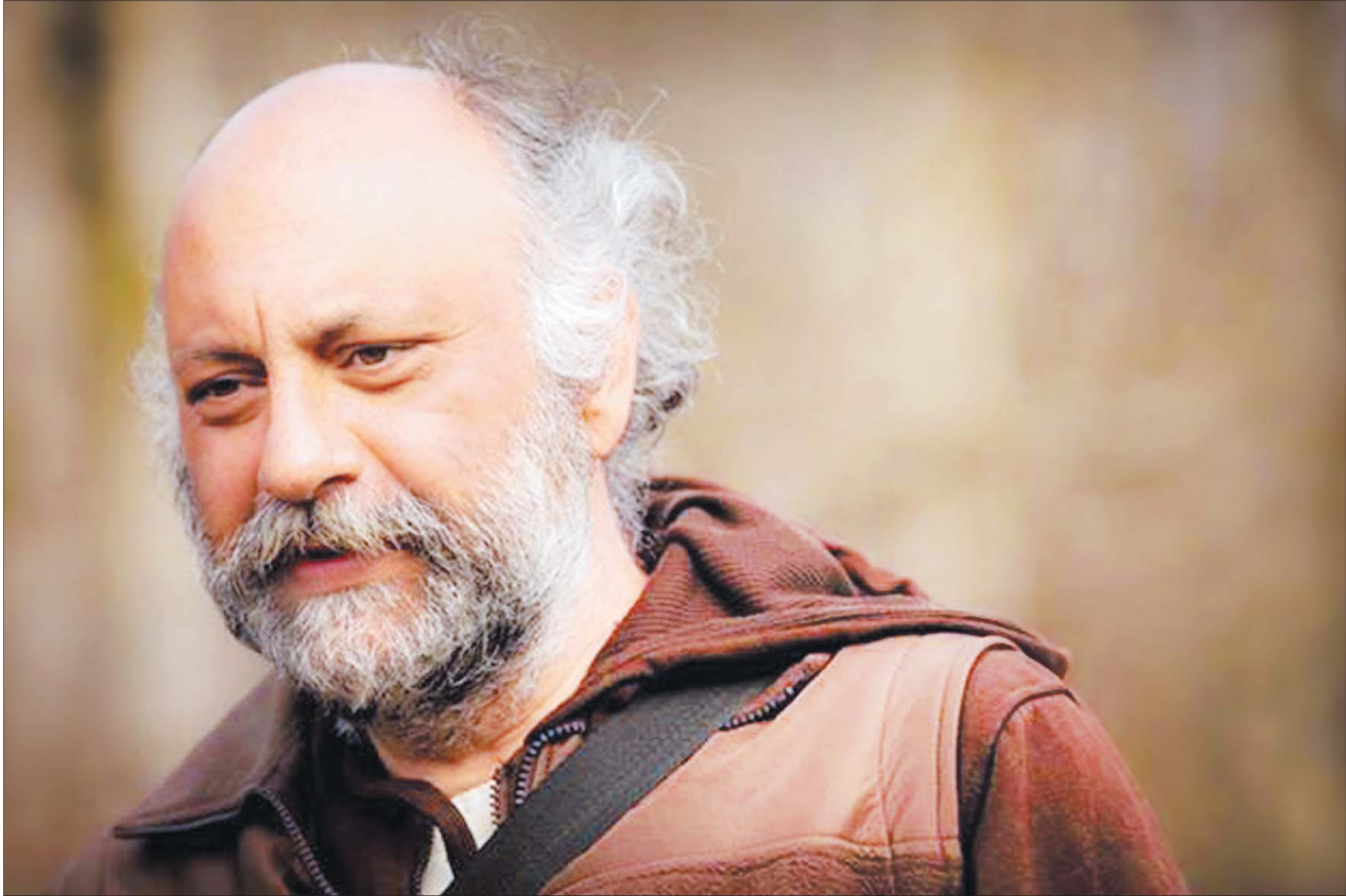
متأسفانه کیفیت متن‌ها به‌شدت پایین آمده و شاید به این دلیل است که معمولا چندسال یک‌بار در سریالی بازی می‌کنم. افتخار می‌کنم در مجموعه‌ای مثل «حیرانی» بازی کردم که مشخصاً احترام زیادی برای شعور مردم قایل بود و به‌نوعی ذایقه مردم را نیز تغیر داد و اتفاق جدیدی در تلویزیون بود. کیوان علیمحمدی و امید بندکار اساسا همیشه دست به کارهای خلاقانه‌ای می‌زنند و با ساخت این سریال نیز نشان دادند که می‌توان فرمی دیگری از سریال‌سازی را انتخاب کرد و مخاطبانی را نیز با خود همراه کرد و ما وظیفه داریم این شکل از سریال‌سازی را نیز به مردم نشان دهیم. شاید اولین تجربه کمی با نقد نیز همراه باشد، اما قطعا راه را برای تجربه‌های جدیدتر باز می‌کند. قصه ضعیف، کارکردن در زمان کمتر از حد معمول ساخت یک سریال برای صرفه‌جویی در بودجه یا عواملی دیگر در کیفیت پایین اثر بی‌تاثیر نیستند. نمی‌توانیم خودمان را گول بزنیم. مردم تمایل بسیار کمی برای دیدن برنامه‌های رسانه ملی دارند.

نمای نزدیک

سینمای تجربی، رنسانس دائمی در سینما

رضا درستکار، نمایش آثاری از سینمای ایران که تا به امروز مجالی برای دیده‌شدن نداشتند، به‌خودی‌خود اتفاق فرخنده‌ای است؛ فیلم‌هایی از سینماگران جوانی که بدون شک نگاه متفاوتی به سینما دارند و جای خالی این نوع نگاه و تجربه در سینمای ما خالی بود. اما قطعا گروه سینمایی هنر و تجربه با یک نگاه مجزا می‌تواند زمینه بهتر دیده‌شدن این آثار را فراهم کند. فیلم‌های بلند سینمایی مثل «پرویز» یا «خانه‌پدری» و فیلم‌هایی از این‌دست که اساسا فیلم‌های متفاوتی در زمینه ساخت فیلم بلند محسوب می‌شوند یا کم‌تر مجال اکران پیدا می‌کنند و مربوط به سینمای اندیشمند و محترمی است که تلاش می‌کنند تا فرم جدیدی را در سینما تجربه کنند را می‌توان در یک دسته‌بندی مجزا نمایش و مجال بیشتری برای دیده‌شدن به آنها داد و بعد سته دوم به فیلم‌های مستند و کوتاه خلاصه می‌شود که می‌توان در ذیل یا گروهی جداگانه فیلم‌های هنر و تجربه آنها را قرار داد و در یک تقسیم‌بندی سوم، فیلم‌های خارجی را به نمایش گذاشت که قطعا مخاطبان خاص خودش را خواهد داشت. حقیقت این است که وقتی به‌اصطلاح کمیت سینمای داستانی می‌لنگد و به سمت کلیشه و تکرار کشیده و از ارزش‌های فنی و هنری تهی می‌شود، سینمای تجربی به داد سینما می‌رسد و سینما را از آن رخوتی که دچارش است، رها می‌کند. سینمای تجربی یک‌رنسانس دائمی در سینماست و اگر نباشد سینما به‌رودی وجهه هنری خودش را از دست خواهد داد و قطعا سینمای تجربی می‌تواند کاری کند که وضعیت سینما از حالت همیشگی خارج شود و اگر نباشد سینما نیز وجود نخواهد داشت و ارزش‌هایش را از دست خواهد داد. در سینمای هند سالانه بیش از هزارفیلم ساخته می‌شود و چون در این نوع سینما مجالی به سینمای تجربی داده نمی‌شود، به سینمای کلیشه‌ای تبدیل شده است. سینمایی که در آن تحول نمایش اینگونه فیلم‌ها فراهم کنند، مثل کسانی که سینمادار هستند و نوزایی اتفاق نیفتاد، قطعا مشکل بزرگی دارد و نمی‌توان به آینده آن امیدوار بود یا سینمای آمریکا که دومین کشور تولیدکننده فیلم در جهان است و نزدیک به سالانه ۴۰۰فیلم در این کشور تولید می‌شود که کلیشه‌ای و فاقد ارزش‌های هنری است و مورد نقد هم قرار می‌گیرند و بخشی از سینمای آمریکا همواره توجه ویژه‌ای را به سمت خود جلب می‌کند که سینمای تجربی و هنری نام‌گذاری می‌شود که مبتنی بر فن و تکنیک است و اتفاقات هنری‌تر را تجربه می‌کند.

در سینمای ما نیز به‌گونه‌ای دیگر این اتفاق افتاده است. اگر گهگاه فیلم‌های خوب و نوگرایی در سینما می‌بینیم، نتیجه تلاش و نگاه خوب فیلمسازانی است که به سینما از درچه‌ای دیگر نگاه می‌کنند و به‌تجربه‌های دیگر بدون شک با اکران‌های گروه هنر و تجربه، موج جدیدی در سینما آغاز خواهد شد. قطعا تشکیل گروه سینمایی هنر و تجربه مهم‌ترین دستاورد مدیریت سینما در سال‌های اخیر است. با نمایش این فیلم‌ها باید ذایقه مردم را تغییر داد، ذایقه مردم ما تخریب شده است و در کنار ارتقای سلیقه آنها باید تغییری در ذایقه آنها ایجاد کرد.



بابک کریمی، بازیگر «من از سپیده صبح بیزارم»

«هنر و تجربه»، سیم‌رابط است

و جملاتی که ادا می‌کردیم سعی کردیم تا حد امکان روان و راحت باشد.

ساختار فیلم همان چیزی است که از ابتدا در ذهن علی کریم بود و تغییری نداشت و من چیزهایی که فکر می‌کردم می‌تواند به روند فیلم کمک کند را مطرح می‌کردم. به‌طورکلی همه در ساخت این فیلم مشارکت داشتند. شخصیت «حسین» که در فیلم می‌بینید هم فضایی که باید را به‌وجود آورد. مثلا دوست داشت که در فیلم هفت‌تیر بکشد و سر این موضوع بافشاری می‌کرد و در نهایت چیزی که از او هم در فیلم می‌بینید، همانی است که به واقعیت او نزدیک است.

۷ پس قطعا همراهی با کارگردانی که روحیاتش شبیه شماست، کار را برایتان راحت‌تر می‌کند...

من و علی کریم شبیه کسانی بودیم که به استادیوم می‌روند و در آنجا کشف می‌کنند که طرفدار یک تیم هستند. ما هر دو از نظر فلسفی تحت تاثیر و به نوعی شاگردان عباس کیارستمی هستیم و هر دو یک نوع نگرش خاصی را به سینما داریم. این اتفاق قطعا در نوع رابطه ما بی‌تاثیر نبود و حرف هم را بهتر می‌فهمیدیم.

۷ ظاهرا امسال، سال پرکاری برای شما بود و یکی از پرکارترین بازیگران جشنواره امسال خواهید بود؟

بله. خوشبختانه فیلم‌هایی که دوستان‌شان داشتیم و در آنها ایفای نقش کردم در جشنواره حضور دارد و متأسفم از اینکه فیلم سام‌قریبیان «۳۶۰درجه» در میان این فیلم‌ها نیست. نقشی که من در این فیلم ایفا کردم از آن نقش‌هایی است که می‌توان یک‌بار در تمام عمر بازی کرد و دوستش داشتیم.

من و علی کریم شبیه کسانی بودیم که به استادیوم می‌روند و در آنجا کشف می‌کنند که طرفدار یک تیم هستند. ما هر دو از نظر فلسفی تحت تاثیر و به نوعی شاگردان عباس کیارستمی هستیم و هر دو یک نوع نگرش خاصی را به سینما داریم. این اتفاق قطعا در نوع رابطه ما بی‌تاثیر نبود و حرف هم را بهتر می‌فهمیدیم

۷ به‌جز معیار باورپذیربودن، ملاک دیگری که می‌تواند بابک کریمی را برای پذیرش یک نقش وسوسه کند، چیست؟

وسواس زیادی روی انتخاب نقش‌هایم دارم. قطعا از بازی در کاری استقبال می‌کنم که جسارتی در فیلمنامه داشته باشد و بتوانم با آن همذات‌پنداری کنم. از سوی دیگر به قول معروف نقش باید به من بیاید و از جایی که آدم تبیلی هم هستم نقش باید به‌گونه‌ای باشد که آن‌قدر من را درگیر و وسوسه کند که برای بازی در آن پیشقدم شوم و با رغبت سر کار حاضر شوم. قطعا از کاری استقبال می‌کنم که در وهله اول سوالی در ذهنم ایجاد کند و چالش‌برانگیز باشد و تقلیدی از فیلم‌های دیگر نباشد و به شدت از حضور درفیلم‌های تقلیدی پرهیز می‌کنم. لذت کشف یک شخصیت را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم و قطعا از سری‌دوژی و کپی‌کاری به شدت بیزارم. وقتی در یک نقش بازی می‌کنم بعد از پایان کار پرونده نقش برای همیشه در ذهنم بسته می‌شود. خاطرم هست وقتی نقش قاضی فیلم«جدایی نادر از سیمین» را بازی کردم تا یکسال مدام نقش قاضی و وکیل به من پیشنهاد می‌شد. زمانی که این فیلم را بازی می‌کردم خیلی تصور دقیقی از اتفاقات بعد از نمایش فیلم و موقعیتی که برای من ایجاد خواهد شد، نداشتم. یک روز آقای کلاری سرصحنه فیلمبرداری به من گفت؛ قطعا یکسال دیگر وقت سرخرااندن نخواهی داشت. آن زمان هیچ تصویری در رابطه با حرف او نداشتم و بابت این لطفتش فقط از او تشکر کردم. اما یکسال گذشت و من با موجی از پیشنهادات مشابه و البته فیلمنامه‌هایی که کمی متفاوت‌تر بود روبه‌رو شدم و تماسی با



بسیاری بابک کریمی را به‌واسطه حضورش در فیلم سینمایی« جدایی نادر از سیمین» به‌خاطر می‌آورند، نقشی تاثیرگذار و شروعی خوب از بازیگری که سال‌ها پیش در خارج از ایران مستندسازی و بازیگری را حرفه‌ای دنبال می‌کرده است. به قول خودش بعداز گذشت سال‌ها تجربه‌اندوژی، بازیگری دیگر شغل اولش محسوب می‌شود. بابک کریمی امسال در فیلم‌های بسیاری ایفای نقش کرده که برخی از آنها تجربه‌های نخست کارگردانان‌شان محسوب می‌شود. کارگردان‌هایی که کریمی از آنها به‌عنوان استعداد‌های آینده سینمای ایران نام می‌برد. «ماهی و گربه» و« من از سپیده صبح بیزارم» دو فیلمی است که با اقبال خوبی از سمت مخاطبان نیز روبه‌رو شده. به‌همین بهانه پای صحبت او نشستیم.

۷ مدتی است که در گروه تازه‌گشایش یافته هنر و تجربه، حضور شما بیش از بازیگران دیگر است. «من از سپیده صبح بیزارم» تازه‌ترین فیلمی است که با بازی شما در این گروه سینمایی روی پرده رفته. گویا برخی انتقاد کرده بودند این فیلم، مستند است.

این فیلم را بسیار دوست دارم و در همه چیز طبیعی به نظر می‌آید؛ بااین‌حال به علی کریم کارگردان این فیلم ایراد گرفتند که چرا مستند ساخته است؛ در صورتی که همه چیز از قبل نوشته شده بود و ما طبق فیلمنامه پیش رقتیم و تمرین‌های زیادی داشتیم اما این شرط را برای خودمان از روز اول گذاشتیم که هیچ چیز در این فیلم رنگ و بوی ساختگی ندهد و همه چیز رئال و طبیعی باشد.

۷ البته فکر می‌کنم این فیلم تا حد بسیار زیادی به روحیات شما هم نزدیک است. کسی که سال‌ها در خارج از کشور مستندسازی می‌کرده و همیشه در ساخته‌هایش به واقعی‌بودن اتفاقات قایل بوده و حالا در کاری قرار گرفته است که تا حد زیادی باید همین شخصیت را با چنین ویژگی‌های بازی کند و فکر می‌کنم قطعا جذابیت‌های بیشتری برای شما داشته است.

همین‌طور است. از نظر فلسفی به این شخصیت بسیار نزدیک هستم و درکش می‌کنم. قطعا چنین شخصیتی برای من ویژگی‌های زیادی دارد. گذشته من در عرصه مستندسازی همان‌طور که شما به آن اشاره کردید یک خصوصیت بارز داشت و آن این بود که همیشه به باور پذیر بودن اتفاقات در فیلم‌هایم اعتقاد داشتم و حتی در فیلم‌های سینمایی هم که بازی می‌کنم این شرط برابم اولویت دارد. ما کسانی هستیم که روایتگر بخشی از سرگذشت مردم هستیم و قرار است در آخر، آنها کار را دوست داشته باشند و با آن ارتباط برقرار کنند و ما به هیچ‌وجه نمی‌توانیم چیزی که مطلوب خودمان است و شاید با واقعیت زندگی مردم فاصله دارد را به آنها تحمیل کنیم و قطعا فیلم‌سینمایی باید برشی از زندگی واقعی مردم باشد و هر چیزی که حتی سرسوزنی بوی جمل و دروغ بدهد مردم را آن را خیلی زود پس می‌زنند و باورش نمی‌کنند و نمی‌توانیم باورپذیری مردم را تحریک کنیم.

قطعا یکی از وسوسه‌های همیشگی من در انتخاب آثاری که در آنها بازی می‌کنم نقش‌هایی است که مشابه آنها را در کوچه و خیابان و اطرافم ببینم و اگر با نقشی روبه‌رو شوم که در وهله اول خودم نمی‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم، سمتش نمی‌روم چرا که یقین دارم مردم هم دوستش نخواهند داشت و در نهایت آن را پس می‌زنند. همیشه اولویت‌م با انتخاب نقش‌هایی بوده است که ریشه‌های انسانی و باورپذیر بودن را برای مخاطب داشته باشد و امیدوارم که تا به اینجا موفق عمل کرده باشم.

۷ «من از سپیده صبح بیزارم» با فیلمنامه نوشته شده مقابل دوربین رفت و طبق گفته شما با تمرین‌های زیاد به این فرم رسیدید که درعین اینکه فیلم داستانی است اما بسیاری از آن به‌عنوان یک فیلم مستند یاد می‌کنند. قطعا تجربه‌های پیشین شما در روند این اتفاق بی‌تاثیر نبوده است. تا چه حد حاصل همفکری شما و علی‌کریم به این سرانجام کمک کرد و چه پروسه‌ای برای رسیدن به چیزی که در فیلم می‌بینیم، اتفاق افتاد؟

در حقیقت این فیلم پروسه طولانی تا تولید داشت. حدود دو ماه تمرین کردیم. فیلمنامه اولیه با چیزی که در حال حاضر می‌بینید، متفاوت است. طبعاً بسیاری از اتفاقات درون فیلمنامه از همفکری‌های اینچنینی به وجود آمد. در طول همین تمرین‌ها متوجه کاستی‌ها یا اتفاقات بیش از حد معمول فیلمنامه می‌شدیم و آن را اصلاح می‌کردیم. حتی در دیالوگ‌ها